# جنجال بر سر اعتراض نماینده مهاباد در تذکر شفاهی

## محمودزاده: رئیس شورای امنیت کشور پاسخ‌گو باشد که چه کسانی به مردم تیر جنگی شلیک کردند/ جوکار: فتنه برپا نکنیم

مناطق کردنشین ازجمله مهاباد و جوانرود در روزهای اخیر با مشکلات و حواشی بسیاری مواجه بودند و تصاویر و اخبار در هفته گذشته از این مناطق نشان از بالاگرفتن درگیری داشت. به گزارش خبرگزاری‌های رسمی، با ورود نیروهای مسلح و شدت‌گرفتن درگیری‌ها، برخی از هر دو گروه جان باختند که آمار دقیقی از تعداد جان‌باختگان در دست نیست. در این مدت نمایندگان مناطق کردنشین ازجمله نماینده مهاباد پیگیر ماجراها بودند. روز گذشته نماینده مهاباد در صحن علنی در تذکر شفاهی خود گفت: آقای وحیدی، شما به‌عنوان رئیس شورای امنیت کشور باید پاسخ‌گوی این وضعیت باشید و درخواست داریم کسانی را که به مردم تیر جنگی شلیک کردند، شناسایی و به دادگاه معرفی کنید.

جلال محمودزاده، نماینده مهاباد در مجلس شورای اسلامی، در جریان جلسه علنی دیروز مجلس و در تذکری به رئیس‌جمهوری و وزیر کشور گفت: در اعتراضات مردمی مهاباد و شهرهای کردنشین ۱۳ نفر بر اساس آمار رسمی و بر اساس آمار غیررسمی ۱۰۵ نفر کشته شده‌اند. به گزارش اعتمادآنلاین، او ادامه داد: آقای وحیدی شخص جناب‌عالی به عنوان رئیس شورای امنیت کشور باید پاسخ‌گوی این وضعیت باشید و برای چندمین بار درخواست داریم کسانی را که به مردم تیر جنگی شلیک کردند، شناسایی و به دادگاه معرفی کنید.

او ادامه داد: به‌جای پیگیری و احقاق حق و حقوق مردم مناطق کردنشین در دستگاه قضائی، در همان دستگاه قضائی علیه من نماینده که پیگیر این ماجراها بودم، شکایت شده است.

نماینده مهاباد در مجلس در ادامه افزود: لشکرکشی و امنیتی‌کردن مهاباد و شهرهای کردنشین، دستگیری شهروندان عادی، هجوم شبانه به منازل مسکونی، تخریب وسایل مردم، نوشتن شعار روی دیوارهای داخلی ساختمان‌ها، چک‌کردن وسایل شخصی مردم و ایجاد ایست‌های بازرسی متعدد در ورودی شهرهای کردنشین چه مفهومی دارد؟

او با اشاره به اینکه در چند روز گذشته به دلیل برخورد خشن در این مناطق و کشته‌شدن کولبران و سوخت‌بران از وزیر کشور در کمیسیون شوراها و امور داخلی سؤال پرسیدم ولی از پاسخ‌های وزیر قانع نشدم، گفت: اما آقای جوکار رئیس کمیسیون به بنده می‌گوید سؤال شما را به صحن نمی‌فرستم وقتی می‌گویم چرا، می‌گوید «برو به رئیس شکایت کن»؛ کجای آیین‌نامه آمده که رئیس کمیسیون می‌تواند سؤال ملی نماینده را به صحن نفرستد؟ چرا باید از سردار جوکار به سردار قالیباف شکایت ببرم؟

**جوکار: این کشور متعلق به مردم است، چرا نمی‌گذارید به آرامش برسند**

در ادامه جلسه محمدصالح جوکار، رئیس کمیسیون شوراهای مجلس، با استفاده از بند ۷۵ آیین‌نامه داخلی مجلس در پاسخ به جلال محمودزاده گفت: ایشان دو سؤال در کمیسیون مطرح کردند که یکی درباره کولبری و کولبران بود و نهایتا به این جمع‌بندی رسیدیم که ظرف مدت یک ماه وزیر کشور بازرسانی به منطقه اعزام کند و بررسی کنند و در صورتی که مشکلی در این زمینه بود، حل کنند و اگر حل نشد مجددا در کمیسیون با حضور وزیر مطرح شود.

او افزود: سؤال دوم درباره مرگ خانم مهسا امینی بوده که مطرح کردند که با توجه به اینکه گزارش کمیسیون منتج از بررسی و مطالعات میدانی بود و در صحن نیز قرائت شد، سؤال ایشان موضوعیت نداشت، چون در آن گزارش به ملت ایران توضیح دادیم. این نماینده مجلس در ادامه با بیان اینکه «این کشور متعلق به مردم است، چرا نمی‌گذارید آرامش به مردم برسد و ایجاد دغدغه خاطر برای مردم کنید»، گفت: باید پاسخ به مردم داد؛ اینکه در آتش اغتشاشات و خشونت و فتنه بدمیم، به نفع کشور و ملت نیست. مردم انتظار دارند نمایندگان مشکلات را حل کنند، نه اینکه به رسانه‌های بیگانه سعودی، انگلیسی، منافقین و... خوراک داده شود.

او با اشاره به اینکه ناامنی به اقتصاد کشور آسیب زده است، ادامه داد: امروز باید خدمتگزاری به مردم را اثبات کنیم. برخی از روی احساسات حرف‌هایی می‌زنند که عامه مردم دنبال اینها نیستند. نباید در داخل مجلس شورای اسلامی بیاییم به هر صورتی مسئله‌ای را طرح کنیم و فتنه برپا کنیم و نگذاریم مردم به آرامش برسند.

پس از پایان زمان تذکر نماینده مهاباد، تعدادی از نمایندگان کنار صندلی محمودزاده تجمع کرده و نسبت به صحبت‌های وی انتقاد کردند.

در ادامه با همراهی جلیل رحیمی‌جهان‌آبادی، جلال محمودزاده از صحن مجلس خارج شد.

**اعتراض را به رسمیت بشناسیم**

در ادامه سیدعلی موسوی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس هم در رابطه با اهمیت توجه به مسئله اعتراضات در صحن گفت: البته در نقد وضعیت فعلی ما حرف داریم، لذا ضرورت دارد با تدوین مقررات و ترسیم چارچوب قانونی، اعتراض را به رسمیت بشناسیم و گوش‌ها را آماده شنیدن اعتراض و انتقاد و سینه‌ها را آماده پذیرش سلایق مختلف کنیم.

موسوی در ادامه با بیان اینکه از عملکرد دستگاه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز گلایه داریم، عنوان کرد: امروز دستگاه‌های متعدد و عریض و طویل فرهنگی اعم از آموزش‌وپرورش که درگیر دیوان‌سالاری تودرتو شده‌اند، دانشگاه‌ها که نسبت به محیط اطراف خود بی‌برنامه شده‌اند، وزارت فرهنگ که فراتر از یک ناظم و ناظر عمل نمی‌کند، صداوسیمایی که جریان زایش و فرهنگی آن با وقفه مواجه است و چندین نهاد دیگر متولی فرهنگ نیاز به به‌روزرسانی دارند.

وی ادامه داد: نیروی انتظامی پرافتخار یکی از ستون‌های ایجاد امنیت و آرامش در جامعه است، نیاز به تقویت سازمانی و ساختاری دارد و در بعد رسالت اجتماعی نیز بازطراحی شیوه‌ها و تحول در انظارهای اجتماعی ضرورت دارد. همچنین اهمیت و نقش رسانه‌ها و مدیریت افکار عمومی نیز از اساسی‌ترین مؤلفه‌هاست که از حلقه‌های مفقوده مدیریت بحران‌های اجتماعی کشور است.

---

### راهکارهای برون‌رفت از وضعیت فعلی از زبان احمد مازنی، فعال سیاسی و نماینده پیشین مجلس

# «گفت‌وگو» تنها راه‌حل مسائل کشور است

**معصومه معظمی: در شرایطی که کشور دچار التهاب است و بیش از هر زمان دیگری نیازمند همدلی هستیم، انتظار می‌رود دلسوزان نظام فارغ از نگاه سیاسی و جناحی به دنبال ارائه راهکارهای عملی برون‌رفت از شرایط فعلی کشور باشند. در این میان احمد مازنی، نماینده اصلاح‌طلب مجلس دهم که از همان زمان به دنبال برقراری راهکاری تحت عنوان «گفت‌وگوی ملی» در جامعه بود، همچنان «گفت‌وگو» را تنها راه‌حل منازعات موجود می‌داند و معتقد است هر روشی به‌جز «گفت‌وگو» برای کشور هزینه‌بر خواهد بود. او همچنین خروج صداوسیما از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و صدور مجوز رسانه آزاد و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی خصوصی را راهکار بعدی برون‌رفت از مشکلات کشور می‌داند. رادیو و تلویزیون خصوصی که احزاب قانونی شبکه‌ای مختص به خود داشته باشند و بتوانند برای انتخابات آزاد فعالیت کنند. نکته دیگری که مازنی درباره آن به «شرق» توضیح داد، آخرین وضعیت از جلسات شورای «گفت‌وگوی ملی» است که از اسفند ۹۶ فعال شد و آخرین جلسه‌اش نیز ۱۸ آبان سال جاری با حضور چهره‌هایی همچون محمدرضا عارف، محمدرضا باهنر، محمد صدر، عزت‌الله ضرغامی و احمد مازنی تشکیل شد و دستور جلسه‌اش هم بررسی شرایط موجود کشور و ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت از وضعیت فعلی بوده است. او به نقل از اعضای این شورا که البته ابوترابی امام‌جمعه تهران هم در آن عضویت دارد، گفت که ما اعضای «شورای گفت‌وگوی ملی» از حضور همه شخصیت‌های تأثیرگذار که بتوانند برای حل مشکلات فعلی راهکاری مناسب ارائه دهند، بدون توجه به گرایش سیاسی‌شان استقبال می‌کنیم.**

عکس: هم‌آنلاین

**◆ به نظر شما راه برون‌رفت از وضعیت فعلی کشور چیست و چه راهکار عملی‌ای می‌توانید دراین‌باره پیشنهاد دهید؟**

از نظر من تنها راه‌حل منازعات کشور «گفت‌وگو» است و هر روشی به‌جز گفت‌وگو دراین‌باره هزینه‌های سنگینی به کشور وارد می‌کند. اگر راه گفت‌وگو را در پیش نگیریم، ناگزیر از بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات و موارد پیرامونی کشور خواهیم بود. اما نباید فراموش کرد که بی‌تفاوتی در هر کشور و جامعه باعث تقویت مشکلات داخلی و ایجاد زمینه برای مداخلات خارجی می‌شود.

بنابراین در صورتی که گفت‌وگو را کنار بگذاریم، راه دیگری که پیش‌روی ما قرار می‌گیرد «خشونت» است. خشونت حد یقف ندارد. ما هشت سال در کشور درگیر جنگ تحمیلی عراق بودیم که خسارات زیادی بر ما تحمیل کرد. تعداد زیادی شهید و مجروح و اسیر به همراه داشت و برای هر دو کشور ایران و عراق و حتی منطقه هزینه‌بر شد. همچنین برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ما موانع زیادی ایجاد کرد. در ادامه آن هم ترورهای دهه ۶۰ را داشتیم و شاهد اتفاقاتی در شرق و غرب و مناطق مرزی کشور بودیم. با شرارت قاچاقچیان و تجزیه‌طلبان و تروریست‌ها مواجه شدیم و همه این اتفاقات برای کشور خسارت‌بار بود. به همین دلیل معتقدم اگر خشونت از هر سو تقویت شود، منجر به آسیب به روند دموکراسی می‌شود و توسعه سیاسی را با کندی مواجه می‌کند. مانع توسعه اقتصادی می‌شود و همچنین بر روابط بین‌الملل ما تأثیر منفی می‌گذارد.

**◆ به نظر شما گفت‌وگو به چه نحوی باید انجام شود؟**

گفت‌وگو با مذاکره، مباحثه و مناظره تفاوت اساسی دارد؛ از این جهت که هدف گفت‌وگو کشف حقیقت است. یعنی در دو سوی میز گفت‌وگو افرادی که قرار می‌گیرند به دنبال امتیازگرفتن از طرف مقابل و محکوم‌کردن دیگری نیستند، بلکه این هدف را دنبال می‌کنند که درخصوص یک موضوع با استدلال علمی و منطقی دیگری را متقاعد کنند. نتیجه گفت‌وگو یا تفاهم خواهد بود و طرفین به یک نتیجه مشترک خواهند رسید که منجر به هم‌گرایی می‌شود، یا به اختلاف نظر می‌رسد که احترام به اختلاف نظر نتیجه فضای حاکم بر گفت‌وگو می‌شود. در نهایت هم این روش به واگرایی توأم با احترام منجر می‌شود. به این نحو که نظرات طرفین متفاوت است اما به نظر یکدیگر احترام می‌گذارند. بنابراین از آنجایی که در عرصه سیاسی فصل‌الخطاب قانون اساسی است، قانون اساسی هم فصل‌الخطاب را رأی مردم تعریف کرده است.

**◆ از نظر شما برای گفت‌وگو به چه مقدماتی نیاز داریم؟**

به نظر من برای گفت‌وگو در سطح ملی، اول پذیرش اصل گفت‌وگو نیاز است. دوم اینکه نتیجه گفت‌وگو هرچه باشد به آن تمکین کنیم. در حال حاضر در فضای تنازعاتی که قرار داریم حقیقت روشن نیست. مثلا در یک منطقه و محل درباره یک فرد روایت شفافی وجود ندارد که همه روی آن اتفاق نظر داشته باشند. رسانه‌های یک طرف واقعه را به یک شکل روایت می‌کنند و رسانه‌های طرف مقابل به نحو دیگری توضیح می‌دهند و شاهد روایت شفاف و روشنی در این زمینه نیستیم.

در اتفاقات اخیر هم مردم اعتراضاتی دارند و این حق آنهاست که مطالبات خود را نسبت به موضوعاتی خاص بیان و پیگیری کنند. همچنین درباره موضوعات مشخصی هم اعلام نارضایتی داشته باشند. اما در کنار این حق‌دادن‌ها، مداخلات خارجی را هم به صورت محسوس مشاهده می‌کنیم. یعنی رسانه‌هایی که برای اعتراضات فراخوان می‌دهند، رسانه‌های مستقل داخلی مربوط به احزاب ایرانی نیستند بلکه با پول غیرایرانی اداره شوند. بارها شاهد بوده‌ایم که شبکه اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی یک فراخوان تجمعات با عنوان جوانات محلات داده‌اند. ممکن است گفته شود دلیل اینکه این رسانه‌ها فراخوان‌ها را منتشر می‌کنند، نبود رسانه ملی مردمی است که البته یکی از معضلات و مشکلات فعلی هم همین است. یعنی از یک طرف با کسانی سروکار داریم که انحصارطلب‌اند و از طرف دیگر با جریان براندازی مواجه هستیم که استقلال ندارند و وابسته‌اند. به نظر من وابستگی خطرش بیشتر از استبداد است و باید مراقب این افراد باشیم. چیزی که قبل از پیروزی انقلاب با آن مواجه بودیم، این بود که کشور در اختیار قدرت‌های بیگانه بود و در داخل هم با استبداد مواجه بودیم و باید مراقب باشیم در دام این بلا گرفتار نشویم.

**◆ اگر درست متوجه شده باشم جمع‌بندی این حرف‌ها این است که باید رسانه آزاد داشته باشیم تا مردم کمتر برای کسب خبر جذب رسانه‌های آن سوی مرزها شوند. این استنباط من درست است؟**

بله همین‌طور است. البته این موضوع هم می‌تواند یکی از موضوعات «گفت‌وگو» باشد. اخیرا در قالب گفت‌وگو و یادداشت و توییت پیشنهاداتی دراین‌باره ارائه کرده‌ام. مثلا درباره رسانه ملی پیشنهاد داده‌ام با اصلاح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ اجازه تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی داده شود. یعنی در اصل ۴۴ مواردی داریم که حاکمیتی تعریف شده‌اند مثل بانکداری و کشتی‌رانی و بیمه که فقط دولت می‌تواند آنها را داشته باشد. جالب است که رادیو و تلویزیون هم در این اصل نوشته شده است. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که در زمان ریاست‌جمهوری مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در مجمع تشخیص تهیه شده بود و رهبری هم تأیید کردند، این بود که با این سیاست‌های کلی، بانک‌ها، بیمه و کشتی‌رانی آزاد شدند. یعنی هرآنچه دولتی محسوب می‌شد آزاد شدند؛ اما رادیو و تلویزیون همچنان در قالب اصل ۴۴ باقی مانده است! من به مجمع تشخیص در این زمینه پیشنهاد داده‌ام و اکنون هم پیشنهاد خودم را تکرار می‌کنم که یک خط از سیاست کلی تهیه کنید و خدمت رهبری بدهید که ایشان اگر صلاح دانستند ابلاغ کنند تا صداوسیما مجوز تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی را صادر کند. در این صورت هم می‌توانیم شبکه‌های دینی، ورزشی، اجتماعی، فرهنگی و سینمایی داشته باشیم و به احزاب سیاسی مجوز داده شود تا شبکه تلویزیونی داشته باشند. اگر شبکه‌های مستقل داخلی داشته باشیم، طرف حسابمان مشخص است و در صورت ایراد و اشکال می‌دانیم چه کسی مسئول این اشکالات است. مثل یک روزنامه مجوزدار که اگر خطوط قرمز را رد کند با آن برخورد می‌شود. همین اتفاق برای رادیو و تلویزیون هم آسان‌تر است. بنابراین یکی از موارد گفت‌وگو می‌تواند این بحث باشد که مجوز رادیو و تلویزیون خصوصی داده شود. یکی دیگر از راه‌حل‌های عملی این است که سال آینده انتخابات را در پیش داریم، می‌توانیم از حالا اعلام کنیم که انتخابات آزاد برگزار می‌شود و احزاب می‌توانند فعال شوند. کاندیداهای مستقل می‌توانند وارد شوند و به مردم امید بدهند. از سال ۷۶ تاکنون که حدود ۲۵ سال است، وقتی آقای خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد، رئیس یکی از گروه‌های معاند اعلام کرد که انتخاب خاتمی سقوط جمهوری اسلامی را ۳۰ سال به تأخیر انداخت! پس برگزاری یک انتخابات آزاد در نظام، یک منازعه جدی را می‌تواند به فرصت تبدیل کند. اینجا هم اگر برای یک انتخابات آزاد زمینه‌سازی شود، می‌تواند جزء موارد گفت‌وگو باشد و این قابلیت را دارد که جوانان را امیدوار کرده و پای صندوق‌های رأی بکشاند.

راهکار عملی بعدی برون‌رفت از مشکلات، تحقق وعده‌های اقتصادی داده‌شده است. اگر این وعده‌های اقتصادی را به صورت یک بسته شغلی شفاف برای مردم تعریف کنند، می‌تواند بخش بزرگی از اعتراضات را ساکت کند. در دولت آقای خاتمی سالی ۶۰۰ هزار شغل ایجاد شد و در دولت آقای احمدی‌نژاد در تمام هشت سال با آن درآمد نفتی فقط حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ هزار شغل ایجاد شد که البته باید در جای خودش نسبت به آن پاسخ‌گو باشند. بنابراین دولت سیزدهم هم باید با مجلس همسو بسته‌ای اقتصادی به منظور حل مشکلات اقتصادی مردم ارائه دهند. در این صورت اگر بخشی از نیازهای معیشتی مردم رفع شود، بقیه مشکلات قابل حل است. نکته آخر اینکه همه کسانی که آسیب دیده‌اند، اگر وابستگی به بیگانه ندارند و دستشان به خون آلوده نیست، بهتر است همان سیاستی که در قبال سیستان‌وبلوچستان اعمال شد، در قبال آنها در کردستان و غرب کشور نیز پیاده شود و مورد عفو عمومی قرار گیرند تا به سمت تلطیف فضا پیش برویم.

**◆ در بخش پیشین صحبت‌هایتان درباره رسانه آزاد صحبت کردید؛ اما در دوره‌هایی از فضای گفت‌وگو در رسانه‌های مجوزدار هم دور شدیم. نظر شما دراین‌باره چیست؟**

به نظر من فشار رسانه‌ای خلاف قانون اساسی است. مبنا قراردادن قانون اساسی هم می‌تواند یکی از مباحثی باشد که در شورای گفت‌وگو شکل می‌گیرد. به این عنوان که آزادی بیان را محدود نکنیم و اجازه دهیم جامعه در فضای آزاد حتی اشتباه کند؛ چراکه همین تکرار اشتباهات و افتادن و برخاستن‌ها باعث می‌شود جامعه مسیرش را پیدا کرده و بتواند روی پایش بایستد و با دست خودش کشور را آباد کند.

**◆ در مجلس قبل بحث گفت‌وگوی ملی را دنبال می‌کردید. آیا جلسات گفت‌وگو همچنان ادامه دارد؟**

شورای گفت‌وگوی ملی از همان اسفند ۹۶ در مجلس دهم جلساتش را تشکیل داد. جمع این شورا ترکیبی از جریانات سیاسی مختلف کشور است و جلساتش همچنان ادامه دارد. آخرین جلسه شورای گفت‌وگوی ملی ۱۸ آبان سال جاری با همان ترکیب قبلی متشکل از آقایان عارف، مهندس باهنر، آقای صدر و آقای ضرغامی و من تشکیل جلسه داد و مسائل جاری کشور در آن جلسه مطرح و بررسی شد. در این جلسه درباره پیگیری مسائل کشور و ارائه پیشنهاد و راهکارهایی برای برون‌رفت از وضعیت فعلی کشور متمرکز شدیم. همچنین روی افزودن افرادی به این شورا که می‌توانند برای حل مشکلات کشور مؤثر باشند، تأکید شد.

**◆ این جلسات شورای گفت‌وگوی ملی خروجی هم دارد؟**

حداقل خروجی این جلسات این است که چالش‌های مهم کشور و مشکلات در این جلسات مطرح می‌شود و از این جمع چندنفره سه نفر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند و یک نفر جزء وزرای دولت است و از جریانات سیاسی مختلفی در این شورا عضو هستند. همچنین آقای ابوترابی امام‌جمعه تهران هم در این شورا حضور دارد. به هر حال این جمع و ترکیب که در شورا حضور دارند، از همراهی و مشارکت جریانات مختلف و اشخاص تأثیرگذار دیگر در فرایند گفت‌وگو استقبال می‌کنند. این کار تأثیرگذار است. همچنین در موارد ضروری و مهم با مقامات ذی‌ربط هم مکاتبه می‌شود و نظرات و پیشنهادها منتقل می‌شود که بی‌تأثیر نیست.

---

**گزارش**

### گزارش «شرق» از اصرار بر یک تصور

## افسانه همان افسانه است

**شرق:** روز گذشته محمد مرندی که عنوان مشاور رسانه‌ای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران را یدک می‌کشد، با اشاره به بحران انرژی اروپا، در توییتر نوشت: «پیش‌تر به غربی‌ها هشدار داده بودم که زمستان در راه است». مرندی در توییترش با بازنشر صفحه اول نشریه اکونومیست که در شماره جدید آن مقاله‌ای درباره بحران انرژی در اروپا هم‌زمان با فرارسیدن فصل سرما در این قاره نوشته شده است، به‌طور تلویحی گفت که غرب می‌توانست از فرصت مذاکرات هسته‌ای با ایران برای حل بحرانی که هم‌اکنون با آن مواجه است، استفاده کند. وی در پیام خود نوشت: «لیبرال‌های ایرانی طرفدار غرب عصبانی هستند؛ زیرا من در جریان مذاکرات هسته‌ای در وین به غربی‌ها هشدار دادم که زمستان در راه است. پاسخ صادقانه من به جنگ روانی آنها». مرندی ادامه داد: «نخبگان/ مذاکره‌کنندگان غربی مدعی بودند ایران به توافق نیاز دارد، اما آنها می‌توانند بدون توافق هم به کار خود ادامه دهند».

پیش از مرندی بسیاری از رسانه‌های اصولگرا هم با ادبیات مشابه به منتقدان داخلی افسانه یا توهم پاییز و زمستان سرد اروپا تاختند و به شرایط کنونی در قاره سبز پرداختند. این موضع‌گیری‌های سطحی به نحوی بیان می‌شود که گویی منتقدان داخلی و رسانه‌های همسو از اساس فرا رسیدن فصل پاییز و زمستان در اروپا یا مشکلات مربوط به حوزه تأمین انرژی و چالش‌های تورمی آن را برای اروپایی‌ها منکر شده بودند یا چنین تصور می‌شد که در اروپا شاهد یک پرش فصلی خواهیم بود و بعد از پایان تابستان شاهد آغاز دوباره بهار هستیم. پیش‌بینی اینکه پاییز و زمستان سال جاری میلادی به واسطه تداوم جنگ اوکراین برای اروپایی‌ها سخت و مشکل‌آفرین خواهد بود، به هنر چندان بالایی نیاز ندارد. فارغ از اینکه چه جریان یا جریاناتی، چه رسانه‌هایی و چه افرادی این ادعا و افسانه را در قالب «پاییز و زمستان سرد» در کشور مطرح کردند، اما هسته تئوریک این ادعا بر تأثیرات فرارسیدن پاییز و زمستان سرد برای کشاندن اروپایی‌ها پای میز مذاکره با ایران بر سر احیای برجام، آن‌هم از موضع ضعف و با قبول پیش‌شرط‌ها تهران استوار بود. حال با یک نگاه اجمالی به فضای فعلی سیاست خارجی، با تمرکز بر روابط ایران و اروپا، نه‌تنها قاره سبز، حتی با مشکلات حوزه انرژی خود، دیگر تمایلی به مذاکره با ایران در هیچ موضوعی به‌ویژه مذاکرات هسته‌ای ندارد، بلکه با کنارگذاشتن نقش سابق خود (پلیس خوب) در دو ماه اخیر، به شکلی تمام‌عیار و حتی بی‌سابقه، فشار همه‌جانبه سیاسی، دیپلماتیک و حقوق‌بشری را به ایران وارد کرده است.

در همین زمینه کوروش احمدی در گفت‌وگویی که با «شرق» داشت، تأکید کرد: «تز پاییز و زمستان سرد از اساس اشتباه بود؛ چون این تصور که فصل سرما باعث تغییر بنیادین در سیاست اروپا شود، کاملا نادرست است. نگاه اروپا به جنگ اوکراین و روسیه یک نگاه امنیتی بوده و هست. در این فضای امنیتی، اروپایی‌ها همیشه خود را برای بدترین سناریوها آمده می‌کنند. در همین زمینه در انگلیسی ضرب‌المثلی وجود دارد که می‌گوید خود را برای بدترین‌ها آماده کن، هرچند می‌توان امیدوار بود بهترین‌ها هم رخ دهد». بنابراین به باور احمدی، اروپا در قبال جنگ اوکراین و روسیه خود را برای بدترین سناریو و یک وضعیت حاد امنیتی آماده کرده بود. پس طبیعی است که پاییز و زمستان سرد نمی‌توانست فاکتوری تعیین‌کننده برای تغییر رفتار اروپا در قبال روسیه، جنگ اوکراین و به تبع آن ایران باشد؛ کمااینکه تا اینجای کار هم نبوده است. این دیپلمات پیشین کشور در ادامه تحلیلش به «شرق»، این سؤال را مطرح می‌کند که چگونه برخی افراد و رسانه‌ها در داخل کشور به این فاکتورها و علائم توجه نداشتند و آن ادعا (پاییز و زمستان سرد) را مطرح می‌کردند؟! احمدی به این نکته اشاره دارد که بدون تردید اروپا در راستای «همه چیز را همگان دانند» می‌توانست با همفکری و همکاری با متحدان یک برنامه‌ریزی و طرح مشترک برای عبور از فصل سرما داشته باشد. تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل روی نکته مهمی دست می‌گذارد و تصریح می‌کند که حتی اگر این فصل سرما به بدترین حالت ممکن برای اروپا هم شکل می‌گرفت، باز تغییری در اولویت‌های امنیتی قاره سبز در قبال روسیه و ایران ایجاد نمی‌کرد. بنابراین با در نظر گرفتن گفته‌های کوروش احمدی و نیز مشاهده برخی تحولات جاری، باید اذغان کرد زمانی که برخی بر پایه تصور پاییز و زمستان سرد به دنبال تأخیر دوماهه مذاکرات به امید بازگشت اروپایی‌ها بودند، می‌بایست منتظر بسته‌شدن در دیپلماسی کشور می‌بودیم. نتیجه حضور چنین نگاهی، وضعیت کنونی سیاست خارجی دولت سیزدهم در ۴۶۰ روز از آغاز به کارش است که با یک چالش چندلایه و چندوجهی همراه شده است. راویان افسانه پاییز و زمستان سرد خود را برای نفت ۱۸۰ دلاری آماده کرده بودند، اما اکنون بهای نفت در کانال ۸۰ دلار است؛ با ذکر همین نکته «تو خود بخوان حدیث مفصل از مجمل»... .